

فارسی در بنگاله

♦ دکتر آر.ام. چوپرا*

مترجم: خان محمد صادق جونپوری*

سلسله حکومتی مسلمانان در منطقه بنگاله از قرن سیزدهم آغاز می‌شود. سلاطین و استانداران مسلمان با تسخیر «لکهنوتی» (پایتخت نظامی بنگاله) توسط اختیارالدین بختیار خلجی (فرماندهی نظام قطب‌الدین ایبک) در سال ۱۲۰۴م شروع به کار کردند. سلسله سلاطین بنگاله با توسعه امپراتوری مغول در سال ۱۵۷۶م به پایان رسید. البته در زمان سلاطین بنگاله، عربی به عنوان یک زبان مذهبی و فارسی از حیث نماد فرهنگی مطرح شد.

در زمان این سلاطین، سرزمین بنگاله، شاهد محققان، تاجران، حکام و رزمندگانی بود که زبان شان فارسی بود و این روند در زمان شهنشاهی مغول نیز توسعه و گسترش یافت و از سال ۱۵۷۶-۱۸۵۷ م تعداد قابل توجهی از محققان، حکام و شاعران زبان فارسی ظهور کردند که اسامی شان با تاریخ و ادبیات فارسی و این منطقه گره خورده است.

♦ دکتر رویندرا موهن چوپرا فرزند دکتر هیرا لال چوپرا، نویسنده و شاعر فارسی زبان، در سال ۱۹۳۴ میلادی در حافظ‌آباد، پنجاب به دنیا آمد. وی مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته تاریخ و فرهنگ اسلامی در سال ۱۹۵۶ م. از دانشگاه کلکته دریافت کرد. وی برای چهار دوره (۲۰۰۲-۲۰۰۳، ۲۰۰۳-۲۰۰۴، ۲۰۰۸-۲۰۰۹، ۲۰۰۹-۲۰۱۰) رئیس ایران سوسایتی، کلکته بود. چندین کتاب از وی به زبان انگلیسی به چاپ رسیده است: «میراث پنجاب»، «پنجاب و بنگال»، «مذهب سیک»، «روابط فرهنگی هند و ایران»، «تعالیم و فلسفه رومی»، «هندوازم در زمان حال»، «زنان شاعر فارسی زبان» و «آغاز، گسترش و زوال ادبیات فارسی در هند».

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه دهلی.

فارسی تا ۶ قرن کامل، زبان رسمی بنگاله بوده است و زبان بنگالی نیز به شدت تحت تاثیر آن قرار گرفت و واژگان و اصطلاحات زیادی از زبان فارسی باعث غنی سازی آن شد.

صوفیا و عرفای متعددی از ایران به بنگاله آمدند و به نشر و گسترش آموزه‌های اسلامی و همچنین زبان و ادبیات فارسی در این منطقه پرداختند. ادبیات عرفانی ایران اعم از اسلامی و غیر اسلامی با استقبال گرم این منطقه روبرو شد در عین حال اشعار متصوفانه فارسی به عنوان مهم ترین و موثرترین ابزار بیان تجارب، اندیشه و نمادهای عرفانی مطرح گردید.

از آنجایی که فارسی زبان رسمی بنگاله اعلام شده بود، تعداد چشمگیری از هندوان هم به قصد شغلی و یا بعضاً برای ایجاد روابط با سلاطین و استانداران این منطقه، به یادگیری فارسی پرداختند و این روند تا میانه قرن نوزدهم ادامه داشت. محورهای زیر را می‌توان در زمان سلاطین بنگاله دنبال کرد:

- اثرات ایرانیان بر سلاطین بنگاله
- تصوف و فارسی در بنگاله
- کتیبه‌های فارسی در زمان سلاطین بنگاله
- تاثیر گزاری فارسی بر زبان و ادبیات بنگاله
- منابع اولیه تاریخ بنگاله در تاریخ نویسی فارسی

اثرات ایرانیان بر سلاطین بنگاله

سلاطین بنگاله رسم و رواج دربارهای خود به ویژه در شهرهای پایتخت گور و پاندوا را بر اساس دربار شاهی ایرانی ترتیب دادند و سلسله مراتب بوروکراسی را به روی کار آوردند و دین اسلام را به عنوان یک دین تحت حمایت دولت ترویج کردند.^۱

طبق نقل یکی از سفرای امپراطور یونگل (۱۴۰۲-۱۴۲۴) که در اوایل قرن پانزدهم از دربار یکی از این سلاطین بازدید کرده است، دربار دارای ویژگی‌های دربار ایران در

۱. دایرةالمعارف ایرانیکا، عناصر فارسی مسلمان در تاریخ بنگال، ریچارد ام. ایتن

دوره میانه مانند پر طاوس، چتر، تاج منبت کاری شده با سنگ‌های قیمتی و نمایش سخاوتمندانه طلا و جواهرات بوده است.

ارتش سلاطین بنگاله بیشتر تحت کنترل مسلمانان خارجی به ویژه مهاجران فارسی زبان از ایران و آسیای مرکزی قرار داشت. ارتباط بنگاله با ایران در قرن سیزدهم و چهاردهم در معماری اسلامی آن مشاهده می‌شود که برج چوتا پاندوا از قدیمی‌ترین آثار اسلامی باقی مانده در بنگاله است.

عهد شمس‌الدین الیاس شاه (۱۳۴۵-۱۳۵۷) طلیعه مرحله جدید روابط ایران و بنگاله است. معماری اسلامی بنگاله و سکه‌های این دوره همخوانی بسیاری با ایران دارند. پادشاهان سلسله الیاس شاهی به راحتی با فرهنگ شاهی ایران قابل تطبیق هستند و نمونه آن را می‌توان در مسجد بزرگ آدینه که در سال ۱۳۷۵ م. در عهد سلطان سکندر شاه فرزند الیاس (۱۳۵۷-۱۳۸۹ م.) مشاهده کرد.

سلطان غیاث‌الدین اعظم شاه فرزند سلطان سکندر شاه (۱۳۸۹-۱۴۱۰ م.) سعی کرد تا حافظ شیرازی را به دربار خود فرا خواند. اگرچه حافظ دعوت او را نپذیرفت ولی غزل مشهور خود را برای او فرستاد. این واقعه ایران محوری دربار بنگاله را نشان می‌دهد. زبان و ادب فارسی نیز از حمایت بی دریغ سلاطین بنگاله برخوردار شده بود.

تاثیر ایران بر بنگاله از زمان سلطان جلال‌الدین محمد شاه (۱۴۱۵-۳۳) کم رنگ شد و طبقه حاکم فرهنگی را عرضه کردند که اثرات فرهنگ محلی بر آن غالب بود و فرهنگ ایرانی به طور موقت تحت شعاع قرار گرفت و طبق گفته ماهوا، یک سیاح مسلمان چینی که بین سال‌های ۱۴۲۵-۱۴۳۲ م. از بنگاله دیدن کرده است، اگرچه برخی از افراد دربار با زبان فارسی آشنا هستند اما زبان رسمی بنگالی بود^۱.

این بومی‌گرایی بعد از فتح بنگاله توسط امپراتور اکبر در سال ۱۵۷۶ م. معکوس شد و برای اولین بار در عرض سیصد سال این منطقه با فرهنگ شمال هند متحد شد. اگرچه این روند مقداری طول کشید ولی در زمینه عرضه دوباره زبان و فرهنگ ایرانی

1. The house of Raja Ganesha of Bengal, by A. H. Dani, Journal of the Asiatic Society of Bengal, 1952, pp 121-70.

در بنگاله اهمیت زیادی داشت.

دومین انعکاس تمدن ایرانی را می‌توان در معماری شاه‌ی داکا، پایتخت ایالتی گورکانیان، به ویژه در قصرها و باغ‌های قلعه لال باغ مشاهده کرد. کشورگشایی‌های گورکانیان باعث ورود فرمانداران، سربازان، ادیبان و صوفیان به این منطقه شد که آنها خود را اشراف می‌خواندند. آنها اصالتاً از شمال هند، افغانستان و به ویژه ایران بودند. طبق یک اثر مورخ ۱۶۳۰ م. شهر داکا مملو از مردم مهاجر از کشمیر، مشهد، تهران، بدخشان، مازندران، و گیلان بود.^۱ از آن جایی که این اشراف اصالتاً از خارج هند بودند لذا آنها از زبان‌های اسلامی مانند عربی و فارسی حمایت کردند. بیشتر این مهاجرین شیعه مذهب بودند. اگرچه این اشراف فرهنگ و روش زندگی خود را برتر از افراد بومی می‌دانستند اما در اواسط قرن هیجدهم آنها جذب فرهنگ بومی شدند و فرهنگ آنها با فرهنگ بنگاله آمیخته شد. وضعیت اشراف در بنگاله مترادف با نژاد خارجی و فرهنگ متعالی بود. این حالت تا پایان قرن هیجدهم به همین منوال بود. صفویان یکی از خانواده‌های مشهور ارمنی را که در حقیقت اجداد تاجران ارمنی بودند، برای سفارت به هند فرستادند.

ابوالحسن گلستانی، مورخ و نویسنده کتاب «مجمع‌التواریخ باده نادریه» از مشهورترین مهاجران به بنگاله است که در سال ۱۷۵۶ م. به این سرزمین وارد شده است.^۲ هجوم این مهاجران، نخبگان سیاسی را که بیشتر افغان بودند، از شهرهای مهم به بخشهای داخلی تر کشاند و آنها در آنجا خود را به عنوان خوش نشین منسجم کردند. اثرات ایرانی‌ها نیز از طریق نظام مالیات گورکانیان به بنگاله راه یافت. پیش از آن تمامی اطلاعات به زبان بنگالی ثبت می‌شد اما گورکانیان همراه خود نظام اداری کاملاً فارسی به ارمغان آوردند. این امر باعث تشویق گماشتگان محلی به فراگیری این زبان شد. مسلمانان و هندوها هر دو، زبان فارسی را فراگرفتند تا شغل دولتی خود را

-
1. An account of the Celebrities of Bengal of the Early Years of Shah Jahan's Reign Given by Muhammad Sadiq, by A. Halim, Journal of the Pakistan Historical Society 1, 1953, pp 355-56.
 2. History of Bengal-Muslim Period (1200-1757), by J. Sarkar, Patna, 1977, pp 224-419.

حفظ کنند. به این صورت زبان فارسی در بنگاله ابقا شد و مسلمانان و هندوان هر دو از آن حمایت کردند.

قرن ۱۸ میلادی قرن گسترش تصوف در بنگاله است و به ذخیره ادبیات فارسی محلی نیز اضافه شد اگرچه این آثار از نوع متوسط بود. در آن زمان داستان‌های عاشقانه جامی مانند یوسف و زلیخا و خمسه نظامی به ادبیات فولکلور بنگاله وارد شد و عمیقاً تشبیهات ادبی و ذخیره واژگان فارسی و ارزش‌های صوفی در آن رواج پیدا کرد. زبان فارسی و فرهنگ ایرانی در حدود شش قرن اثر مهمی بر زندگی اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی مردم بنگاله گذاشت. به طور خلاصه می‌توان گفت که بنگاله تا اواسط قرن نوزدهم، شرقی‌ترین بخش جهان فارسی است. طبق گفته مورخ ریچارد ام. ایتن فرهنگی تهیه شده است که دارای ۵۱۸۶ واژه مستعمل عربی فارسی در زبان بنگالی است.

به گفته مورخ دیگر هلالی، بسیاری از این واژه‌ها و عبارات به صورتی در زبان بنگالی آمیخته شده‌اند که قابل شناسایی از لحاظ لغت شناسی و تلفظ نیستند.^۱

تصوف و فارسی در بنگاله

شیخ جلال‌الدین تبریزی (وفات: ۱۲۴۴ هـ) اولین صوفی است که به بنگاله آمد و اثر قابل توجه‌ای از خود بر جای گذاشت. او از سلسله سهروردیه و شاگرد بهاء‌الحق ملتانی بود.^۲ وی در سال ۱۲۳۵ هـ در اوایل حکومت ترک‌ها در دیوتالا نزدیک پاندوا در شمال بنگاله ساکن و مشغول تبلیغ شد. وی در روستاهای مختلف مردم را به اسلام دعوت می‌کرد و از احترام همه مسلمانان و هندودان برخوردار بود. وی بعد از وفات در دیوتالا مدفون شد که بعدها به نام تبریزآباد مشهور شد.

قاضی رکن‌الدین سمرقندی یکی دیگر از محققان ایرانی‌الاصل است که به دربار علی مردان خلجی (۱۲۱۰-۱۲۱۳) وارد و به عنوان قاضی لکهنوتی منصوب شد. قاضی

1. Perso-Arabic Elements in Bengali by G.M. Hilali, Dacca, 1967.

۲. برای اولین نام جلال‌الدین تبریزی در سیرالعارفین آمده است که بین سالهای ۱۵۳۰ و ۱۵۳۶ تالیف شده است.

سمرقندی در لکهنوتی با یک یوگی هندو ملاقات کرد که از او تعالیم اسلام را فراگرفت و در عوض او علوم یوگا و زبان سانسکریت را از او فرا گرفت. قاضی رکن‌الدین کتاب امریت کوند، اثر مشهور زبان سانسکریت در موضوع یوگا را با عنوان «حوض‌الحیات» به عربی و فارسی ترجمه کرد. وی به هر سه زبان مهارت داشت.

در اوایل دوره سلطنت در بنگاله تعدادی از صوفیان مشهور از حمایت دولتی برخوردار بودند. صوفیان سلسلهٔ چشتیه در آن میان نقش مهمی در ترکیب فرهنگی جامعه داشتند. حضرت اخی سراج عثمان (وفات: ۱۳۵۷)، خلیفهٔ حضرت نظام‌الدین اولیا در بنگاله، شیخ آل‌الحق پاندوی (وفات: ۱۳۹۸)، و فرزند وی شیخ نور قطب عالم بر مردم بنگاله تاثیر زیادی گذاشتند. شیخ نور قطب عالم حجم قابل ملاحظه‌ای از ادبیات صوفی فارسی را به شکل رساله عرفانی و ملفوظات از خود به یادگار گذاشت. تعالیم ساده، عملی و معنوی آنها باعث مسلمان شدن بسیاری از مردم بومی به ویژه از طبقه پایین جامعه شد.

شیخ جلال‌الدین یمینی از اهالی سلهت از افرادی است که سهم قابل ملاحظه در تشکیل فرهنگ مشترک بنگاله دارند. ابن بطوطه^۱ که در سال ۱۳۴۴ از سلهت دیدن کرده است، تایید می‌کند که مسلمانان و غیر مسلمانان هر دو به ملاقات وی می‌رفتند و هدایایی به خدمت او تقدیم می‌کردند. این هدایا به دریشان و مسافران داده می‌شد. شخصی به نام شیخ علی (وفات: ۱۵۶۲)، فرزند یکی از پیروان شاه جلال، زندگی‌نامه شاه جلال را تهیه کرد. شاه جلال با ۳۱۳ تن از پیروان خود به سلهت آمد. دانشمندان و صوفیان ایرانی الاصل بسیاری در اوایل فتح بنگاله به این سرزمین آمدند و در میان مردم بومی سکنی گزیدند و باعث رواج زبان و ادب فارسی شدند. آنها عملیات ساده و

۱. ابن بطوطه (وفات: ۱۳۷۷) شخصاً با شاه جلال در سال ۱۳۴۴ ملاقات کرد و سه روز با او بود. ابن بطوطه درباره وی می‌نویسد: این شیخ از شخصیت‌های برجسته و صوفیان بزرگ است. وی معجزاتی نیز دارد که همه از آن اطلاع دارند. وی مرد سالخورده ای است. ساکنان این کوهستان (سلهت) به دست وی مسلمان شده‌اند. *Ibne batuta, the Rehla of Ibne Batuta, translated by mahdi Husain, 1952, pp 238-39*

عملی اسلام را به صورتی تبلیغ می‌کردند که بسیاری از هندوان به دین اسلام گرویدند و از آن جایی که زبان آنها فارسی بود لذا تازه مسلمانان نیز این زبان را فرا گرفتند.

آثار فارسی در دوره سلطنت در بنگاله

بنگاله شرقی ترین پناه‌گاه زبان و ادب فارسی در شبه قاره است. مسلمانان ترک بعد از فتح بنگاله در قرن سیزدهم، زبان فارسی را به عنوان زبان درباری معرفی کردند. در قرون ۱۳ و ۱۴ تعداد زیادی از دانشمندان و هنرمندان مسلمان از بنگاله دیدن کردند و در این سرزمین ساکن شدند و زبان عربی و فارسی را در شهرهای لکهنوتی، غور، پاندوا و سانارگان گسترش دادند.

اولین اثر فارسی در بنگاله ترجمه کتاب «امرت کوند» (در موضوع یوگا به زبان سانسکریت) است که توسط قاضی رکن‌الدین سمرقندی و به نام «حوض الحیات» انجام گرفت. این کتاب ده باب و ۵۰ اسلوک دارد.

در زمان ناصرالدین محمود بوگرا (۱۲۸۳-۸۹) فرزند سلطان بلبن اولین نایب‌السلطنه و سلطان بنگال، نویسندگان بسیاری همچون شمس‌الدین مدبر، دبیر خاص و قاضی اسیر از دهلی به بنگاله آمدند و به نظم و نثر فارسی آثاری از خود به یادگار گذاشتند. شیخ شرف‌الدین ابوطوامه در بخاری (وفات ۱۳۰۰) معلم و پدر زن صوفی مشهور بهار شیخ شرف‌الدین یحیی منیری، بین سال‌های ۱۲۸۲ و ۱۲۸۷ به شهر سونارگان آمد و کتاب مقامات را در رشته تصوف تألیف کرد که در زمان حیات وی بسیار مشهور شد. شهر سونارگان به دلیل کثرت محدثان و علمای حدیث مشهور بود. حتی شواهدی دال بر تألیف تفسیر فارسی سوره اخلاص از میر ابومعالی وجود دارد. در زمان حکومت رکن‌الدین کیکوس (۱۲۰۹-۱۲۹۹) فرزند نصیرالدین بوگرا خان، کتابی در فقه به نام نامه حق توسط مؤلفی نامعلوم تألیف شد.^۱ این اثر در ده جلد و شامل ۱۸۰ شعر است. این کتاب به شیخ شرف‌الدین ابوطوامه نسبت داده شده ولی ظاهراً توسط یکی از شاگردان وی بر اساس ملفوظات او نوشته شده است.

1. Banglapedia-persian

در زمان غیاث‌الدین اعظم شاه (۱۲۸۹-۱۴۱۰) که خود در شعر فارسی مهارت داشت، شهر سونارگان به صورت یک مرکز مهم ادبیات فارسی درآمد و بسیاری از نویسندگان فارسی و فقیهان و افراد دانشمند دیگر به دربار راه یافتند. این عهد را می‌توان عهد طلایی ادبیات فارسی در بنگاله نامید.^۱ در همین دوران از حافظ شیرازی دعوت به عمل آمد تا به بنگاله بیاید ولی وی غزل مشهور خود را برای سلطان فرستاد. در زمان همین سلطان، شاه محمد ساغر، یک شاعر بنگالی، اثر مشهور خود یوسف و زلیخا را نوشت. سلطان احترام خاصی برای علما و صوفیه قایل بود.

سلطان جلال‌الدین محمد شاه (۱۴۱۵-۱۴۳۳) نیز از حامیان دین و ادب بود. در دربار رکن‌الدین باربک شاه (۱۴۵۹-۱۴۷۴) علمای بزرگی همانند امیر زین‌الدین هروی، امیر شهاب‌الدین حکیم کرمانی حکیم و مؤلف فرهنگ امیر شهاب‌الدین کرمانی، و شاعرانی چون منصور شیرازی، ملک یوسف بن حمید، سید جلال، سید محمد رکن و دیگران حضور داشتند.^۲

«فرهنگ ابراهیمی» که شاید قدیمی‌ترین فرهنگ فارسی در شبه قاره است، در همین دوران توسط مولانا ابراهیم قوام فاروقی تالیف شد. این فرهنگ به مخدوم شرف‌الدین یحیی منیری تقدیم شده است. این اثر قابل توجه نشانگر گسترش زبان فارسی در بنگاله است. آثار عربی و فارسی بسیاری در مراکز دیگر بنگاله مانند غور، پاندوا، درباری، رنگپور، سلهت و چیتاگنگ تالیف شدند. در زمان سلسله حسین شاهی به ویژه در دوران حکومت علاؤالدین حسین شاه (۱۴۹۳-۱۵۱۹) زبان فارسی و عربی در بنگاله گسترش یافت. در همین دوران محمد بودایی مشهور به سید میر علوی کتابی درباره تیراندازی به نام «هدایة‌الرمی» نوشت. این کتاب ۲۷ فصل داشت.

سلاطین سلسله حسین شاهی (۱۴۹۴-۱۵۳۸) در بنگاله از حامیان زبان‌های فارسی و بنگالی بودند و هر دو این زبان‌ها در سایه توجهات آنها رشد و گسترش پیدا کرد. در

-
1. Bengal Under the Rule the Early Ilyas Shahi Dynasty by ABM Shamsuddin Ahmad, Dhaka, 1987.
 2. Banglapaedia, op.cit.

زمان‌های قبلی نویسندگان بنگالی به بنگالی و نویسندگان فارسی به فارسی می‌نوشتند ولی در دوران حسین شاهی بسیاری از نویسندگان بنگالی در نوشته‌های بنگالی خود به ویژه نوشته‌های مذهبی از واژه‌های فارسی استفاده کردند. به این صورت صنفی در ادبیات بنگالی به وجود آمد که امروزه به نام ادبیات دو زبانه معروف است. در این نوع نوشته با وجودی که اثر به زبان بنگالی است اما تعداد زیادی از واژه‌های فارسی در آن به کار رفته است. این نوع نوشتار در قرون شانزدهم و هفدهم در آثار دینی و غیر دینی رواج یافت. دوران سلطنت در بنگاله از سال ۱۲۰۴-۱۵۷۶ م. دوران گسترش و شکوفایی زبان و ادب فارسی در بنگاله است.

آثار فارسی در دوران گورکانیان (۱۵۷۶-۱۷۱۷ م.)

در زمان گورکانیان زبان فارسی زبان اندیشمندان و طبقه اشراف شد چرا که این زبان به صورت زبان اداری درآمد بود و علاوه بر مسلمانان، هندوان نیز برای دستیابی به مناصب دولتی این زبان را فرا می‌گرفتند. این کارمندان دولتی که با زبان فارسی آشنایی داشتند به عنوان منشی خوانده می‌شدند. این امر زبان و ادب بنگالی را نیز تحت تاثیر قرار داد. حاکمان گورکانی در بنگاله از حامیان زبان فارسی بودند و بسیاری از شاعران فارسی را در دربار خود پناه دادند. در زمان حکومت اکبر (۱۵۵۶-۱۶۰۶ م.) یک شاعر مهاجر ایرانی به نام میرزا جعفر بیگ قزوینی به بنگاله آمد و مثنوی شیرین و خسرو را به سبک جامی نوشت. میرزا ناتان، یکی از افسران ارتش در عهد جهانگیر (۱۶۰۶-۱۶۲۷ م.) بهارستان غیبی را در شرح حال سربازان شاعر آن زمان تالیف کرد. شهاب‌الدین تالش شاعر و مورخ دربار میرجمله حاکم بنگاله، به همراه ارباب خود به آسام رفت و تاریخ معتبر آسام را به نام «فتح عبریه» یا «تاریخ آسام» در سال ۱۶۶۳ م. تالیف کرد.

در زمان شاهجهان، محمد صادق به همراهی قاسم خان، حاکم بنگاله به این سرزمین سفر کرد و تاریخ و تذکره «صبح صادق» را در سال ۱۶۸۸ م. تالیف کرد. وی همچنین در خدمت شاهزاده شجاع نیز بود که در سال ۱۶۳۹ م. حاکم بنگاله شد. کتاب «صبح صادق» شامل زندگی‌نامه بسیاری از شاعران و نویسندگان فارسی زبان است که

در جهانگیرنگر (داکای امروزی) زندگی می‌کردند. در زمان حکومت شجاع، میر محمد معصوم «تاریخ شاه شجاع» را تالیف کرد.

در اوایل قرن هیجدهم مرشد قلی خان حکومت مستقلی در بنگاله تشکیل داد و پایتخت را به مرشدآباد منتقل کرد و تعداد زیادی نویسنده و شاعر فارسی را در آن جا تحت حمایت قرار داد. در همان زمان نواب نصرت جان از داکا تاریخی به زبان فارسی با عنوان «تاریخ نصرت جانی» تالیف کرد که از سوی ایسیاتیک سوسایتی در کلکته چاپ شده است.

فارسی در زبان انگلیسی‌ها

بعد از شکست نواب سراج‌الدوله در جنگ پلاسی و تشکیل حکومت انگلیسی‌ها، نیز زبان فارسی در بنگاله رواج داشت و آثار فارسی مهمی در این دوران نوشته شدند. مانند «شگرف‌نامه ولایت» (۱۷۵۶ م.) اثر میرزا اعتصام‌الدین که سفرنامه مؤلف به اروپا به همراهی کپتان آرچیلد سویتتن است. «سیرالمتاخرین» (۱۷۸۳ م.) اثر عالم حسین طباطبایی، سراج‌السلطنین (۱۷۸۷ م.) اثر غلام حسین سلیم و «تاریخ بنگاله» (۱۷۶۳ م.) اثر منشی سلیم الله.

آقا احمد علی (ت: ۱۷۸۳) از شهر داکا کتاب «مؤید برهان» و «شمشیر تیزتر» را تالیف کرد که دو فرهنگ لغت فارسی است. «رساله ترانه» و «هفت آسمان» نیز اثر همین نویسنده است. دیگر نویسندگان فارسی زبان داکا عبارتند از: خواجه عبدالرحیم صبا که «تاریخ کشمیریان داکا» را به نثر فارسی نوشت، مولوی عبدالغفور نساخ که «تذکره المعاصرین» را نوشت. از دیگران نویسندگان قرن نوزدهم در داکا می‌توان از عبدالمنیم ذوقی، منشی وارث علی ضیا، آقا محمد علی، کاظم‌الدین صدیقی، مولانا فضل‌الکریم، شاه برهان‌الله و منشی جلال‌الدین نام برد.

علاوه بر داکا شهرهای چیتاگونگ، سلهت، فریدپور، باریسل، میمن سینگ، پنا و شهرهای دیگر نیز از مراکز فعال زبان و ادب بودند.

مطالعات فارسی در کلکته در اوایل قرن نوزدهم

مردم هندی در دوران حکومت گورکانیان از پیشگامان زبان و ادب فارسی در هند بودند اما از اواسط قرن نوزدهم مطالعات فارسی در کلکته محدود به مهاجران دوران مستعمره انگلیس شد. ایسیاتیک سوسایتی از پیشگامان مطالعات فارسی بود و در همان زمان مدرسه کلکته و مدیران اروپایی آن طبقه مهاجران را که بیشتر امور اداری را به عهده داشتند و نیز اندیشمندان بومی و اروپایی دیگر را تشویق کردند تا زبان فارسی را بیاموزند.

در قرن نوزدهم بسیاری از شاعران فارسی زبان در آسمان کلکته می‌درخشیدند مانند عبدالروف وحید (۱۸۲۸-۱۸۹۶ م.) که «تاریخ کلکته» را در سال ۱۸۹۱ م. نوشت. نور خان که یکی از منشیان فورت ویلیم کالج بود و یک مثنوی درباره کلکته در سال ۱۸۰۶ م. نوشت. عبدالغفور نساخ (۱۸۳۴-۱۸۸۹ م.)، عبیدی (۱۸۳۴-۱۸۸۵ م.)، سید محمد آزاد، منشی محمد خادم از بردوان، سید الطاف حسین فریاد و سید امیر علی (وزیرالسلطان). یکی از شاعران صوفی فارسی زبان که در سال ۱۸۸۶ در کلکته درگذشت سید فتح علی ویسی است که اشعار فارسی وی دارای مقامی ارجمند است.

میراث تیپو سلطان

بعد از سقوط سرینگاپتم در ماه می ۱۷۹۹ م. کتابخانه شاهی تیپو سلطان به دست انگلیسی‌ها افتاد. به مرور زمان کتابخانه شاهی تیپو سلطان که شامل هزاران کتاب و نسخه خطی عربی و فارسی بود به ایسیاتیک سوسایتی منتقل شد. به این صورت در کلکته ذخیره بزرگی از منابع فارسی به وجود آمد.

افراد خانواده تیپو سلطان توسط انگلیسی‌ها به کلکته آورده شدند و در همین جا ساکن شدند. سهم آنها در گسترش ادبی و فرهنگی کلکته به ویژه در معماری چند مسجد و بناهای دیگر قابل ملاحظه است.

مطالعات فارسی در کلکته در قرن بیستم

در اوایل قرن بیستم نیز در کلکته بسیاری از شاعران به زبان فارسی شعر می‌سرودند. شاعرانی همچون اسدالزمان خان گوهر (۱۸۷۲-۱۹۱۱ م.) که «دیوان» و «تحفه احوال»

او موجود است. عبدالعلی دری (۱۸۴۵-۱۹۱۴ م.) نویسنده «کلیات ارمغان احباب» که در سال ۱۸۸۶ م. منتشر شد، حفیظ‌الدین احمد شهید (وفات: ۱۸۳۹ م.)، عبدالحمید حمید (وفات: ۱۹۲۶ م.) همه این شاعران پرورده مدرسه کلکته بودند.

کلکته از اواسط قرن نوزدهم میلادی تا اوایل قرن بیستم محل تجمع شاعران فارسی زبان از شمال، شمال غرب و شرق هند بود. شب‌های شعر به طور مرتب برگزار می‌شد. مدرسه کلکته و ایسیاتیک سوسایتی در ارتقای سطح ادبی این شاعران و ادیبان نقش مهمی داشته است. در نتیجه آثار زیادی به زبان فارسی در کلکته نوشته شد. این وضعیت تا اواسط قرن بیستم و تجزیه هند ادامه داشت. زبان فارسی بر اثر سیاستهای دولت مرکزی و محلی اثر خود را از دست داد.

زبان فارسی در دانشگاه کلکته

در قرن بیستم بسیاری از پژوهشگران مشهور زبان فارسی به دانشگاه کلکته وابسته بوده‌اند که اسامی تعدادی از آنها چنین است:

پروفسور محمد زبیر صدیقی (۱۸۹۴-۱۹۷۶ م.)

وی اولین استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه کلکته است. وی اهل سالارپور شهر پتنه ایالت بیهار بود و مدرک فوق لیسانس در ادبیات و حقوق را از دانشگاه پتنا و مدرک دکترای خود را از دانشگاه کمبریج و تحت راهنمایی پروفسور ای.جی. براون به دست آورد. کتاب وی «مطالعات افسانه‌های عربی و فارسی پزشکی» که عنوان رساله دکتری وی می‌باشد، از دانشگاه کلکته چاپ شده است.

دکتر محمد اسحاق (۱۸۹۸-۱۹۶۹ م.)

وی استادیار گروه عربی و فارسی دانشگاه کلکته بود. وی در زبان فارسی کلاسیک و مدرن، شعر و ادبیات مهارت داشت. وی مدرک دکترای خود را از دانشگاه لندن تحت عنوان «شعر فارسی مدرن» حاصل کرد. «سخنوری ایران در عصر حاضر» (دو جلد)، «شعر مدرن فارسی» و «چهار شاعره ایرانی» از آثار مشهور او هستند. وی مقالات بسیاری در موضوعات مختلف زبان و ادبیات فارسی نگاشته است. بزرگ‌ترین موفقیت

وی تاسیس ایران سوسایتی در سال ۱۹۴۴ م. در کلکته است. این موسسه مرکزی برای گسترش زبان و ادب فارسی در هند است و کتاب‌های زیادی را به چاپ رسانده است. مجله دو زبانه اندو ایرانیکا نیز هر چهار ماه یک بار از سوی همین مرکز منتشر می‌شود.

دکتر عطا کریم برق (۱۹۱۸-۱۹۹۹ م.)

وی مدرک دکترای خود را از دانشگاه تهران به دست آورد. وی از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۸۷ م. در دانشگاه کلکته به تدریس پرداخت. آثار وی عبارتند از: «اثرات زبان فارسی بر زبان و ادب بنگالی» (دو جلد)، «آموزش در ایران تحت تاثیر اسلام»، «جستجو در احوال و آثار صفی علی شاه»، آخرین اثر وی از ایران در سال ۱۹۷۱ م. منتشر شد.

دکتر هیرا لال چوپرا (۱۹۰۶-۱۹۹۴ م.)

وی بعد از دریافت مدرک فوق لیسانس از دانشگاه پنجاب، در دانشکده اس.دی. به تدریس پرداخت. وی بعد از تجزیه هند به کلکته آمد و در بخش تاریخ و فرهنگ اسلام به تدریس پرداخت. وی در زبان‌های فارسی، انگلیسی، هندی، پنجابی و اردو مهارت داشت. وی شاعر اردو فارسی بود و قصاید بسیاری درباره حضرت محمد (ص)، حضرت علی (ع)، امام حسین (ع) و شخصیت‌هایی از ایران سرود. وی با نوشتن شرح شریمد بهگوت گیتا مدرک فوق دکتری خود را از دانشگاه تهران بدست آورد. وی از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۸۵ م. در دانشگاه کلکته تدریس کرد.

اثرات زبان فارسی بر زبان و ادبیات بنگالی

از زمان سلطنت در بنگاله، زبان بنگالی در موضوعات و سبک تحت تاثیر زبان فارسی قرار گرفت. به تدریج واژه‌های زبان فارسی در زبان بنگالی وارد شد و شاعران و ادیبان بنگالی افکار ادبیات فارسی را در نوشته‌های خود به کار بردند. ادبیات صوفیه بنگالی شباهت زیادی به ادبیات فارسی دارد و وشنوا پادابلی به طرز غزل فارسی سروده شد. اثرات زبان فارسی در دوران گورکانیان را می‌توان در نوشته‌های هندوان و مسلمانان هر دو یافت. از آن جایی که زبان فارسی برای بیش از هفتصد سال زبان رسمی بنگاله بود، بسیاری از واژه‌های فارسی در زبان بنگالی از طریق ایرانیان و صوفیا وارد شد. در نتیجه

مدارک دولتی، اصطلاحات دیوانی و حتی زبان محلی بنگالی مملو از واژه‌ها و اصطلاحات فارسی شد. اثرات زبان فارسی بر زبان بنگالی را می‌توان از سه زاویه بررسی کرد:

۱. استفاده از واژه‌های فارسی در ادبیات بنگالی

حدود ۳۰۰۰-۸۰۰۰ واژه فارسی در زبان بنگالی وجود دارد. اخیراً فرهنگی تهیه شده که حدود ۵۱۸۶ واژه فارسی در زبان بنگالی را جمع‌آوری نموده است. بسیاری از مردم نمی‌دانند که آنها واژه‌های بیگانه را در زبان روزمره خود به کار می‌برند. بعد از فتح بنگاله توسط مسلمانان در سال ۱۲۰۴، برای حدود دو قرن ما کمتر به اثری بر می‌خوریم که توسط مسلمانان به زبان بنگالی نوشته شده باشد. آنها به زبان مادری خود فارسی و یا عربی می‌نوشتند. این واژه‌ها به تدریج به زبان محلی وارد شدند و نوشته‌های بنگالی را تحت تاثیر قرار دادند.

۲. ترجمه آثار شاعران فارسی به زبان بنگالی

حاکمان مسلمان بنگاله همواره از ترجمه آثار کلاسیک فارسی به بنگالی حمایت می‌کردند. بسیاری از نویسندگان مسلمان و حتی هندو آثار مذهبی و عاشقانه فارسی را به زبان بنگالی ترجمه کردند و به این صورت واژه‌ها و اصطلاحات فارسی در زبان بنگالی وارد شد. علاوه بر مثنوی‌های لیلی و مجنون، شیرین و فرهاد، یوسف و زلیخا، اشعار عمر خیام، مولانا روم، فردوسی، حافظ، سعدی و غیره نیز به بنگالی ترجمه شد.

۳. اثر نوشته‌های فارسی، مذهب و فلسفه بر آثار شاعران و نویسندگان بنگالی

صوفیانی که به بنگاله آمدند بیشتر ایرانی بودند و زبان آنها فارسی بود. آنها مسئول تبلیغ تعالیم اسلام لیبرال در منطقه بودند. در نتیجه در بنگاله، ایران همیشه نماد آزادی و افکار ترقی‌پسندانه بود و بسیاری از نویسندگان و شاعران بنگالی تحت تاثیر ادبیات فارسی، فلسفه و مذهب قرار گرفتند.

در قرن شانزدهم سید سلطان (۱۵۵۰-۱۶۴۸ م.) کتاب «گیان پرادپ» (Gyanpradip)، «گیان چوتیشا» (Gyanchautisha) و «یوگ کلندر» (Yogkalandar) را نوشت. دو کتاب «گیان پرادپ» و «گیان چوتیشا» دارای مطالب مشابهی هستند. در این دو اثر فلسفه تصوف، عرفان، از خود گذشتگی، دین، ذکر و الهیات به شکل سوال و جواب

مطرح شده است و توضیح می‌دهد که خالق شکلی ندارد و در قلب انسان‌ها جا دارد. آشنایی با قلب انسانی آشنایی با خداست.

کتاب «یوگ کلندر» شامل اعمال مذهبی و اعمال روحانی ایرانی و هندی است. به نظر نویسنده روح ابدی در جسم انسانی قرار دارد و با انجام اعمال عبادی روح انسانی با روح ابدی متحد می‌شود.

سید سلطان همچنین کتاب «نبی بانگشا» را نوشته و در آن زندگی پیغمبر اسلام^(ص) و دستورالعمل‌های اسلام را توضیح داده است. این اثر به طرز «هری بانگشا» از اساطیر هندوی نوشته شده است. «شب معراج» و «وفات رسول» نیز از دیگر آثار مهم اوست. محمد خان کتاب «مقتل حسین» و «قیامت‌نامه» را نوشت. همه این آثار نظریه مسلمانان درباره مبدء، ارتقا و ویرانی زمین و روز داوری درباره ارواح خوب و بد را توضیح می‌دهند. در قرن هفدهم حاجی محمد «سورت‌نامه» را نوشت که شامل دستورالعمل مراسم عبادی، امور دنیوی و یوگا و کیهان‌شناسی است. این اثر همچنین نشان می‌دهد که انسان چگونه می‌تواند با عمل به شریعت، طریقت، حقیقت و معرفت ثواب اخروی حاصل نماید. این مسایل با واژه‌های عربی و فارسی شرح داده شده‌اند.

سید آل (۱۶۱۸-۱۶۹۸ م.) مشهورترین شاعر صوفی بنگاله است. وی اهل جلال‌پور در شهر فریدپور در بنگلادش است. وی فرزند حاکم مسلمان بنگاله بود و علاوه بر موسیقی در زبان‌های عربی، فارسی و سانسکریت نیز مهارت داشت. وی کتاب «لورچندرانی» یا «میانا ستی اثر» دولت قاضی را تکمیل کرد. دولت قاضی نظام اسلامی شاعری و اصطلاحات فارسی را در ادبیات بنگالی رایج کرد.

سید آل به درخواست مگان تاکور، وزیر دربار سلطان سلیمان کتاب «پدماوتی» اثر ملک محمد جاییسی را به بنگالی برگرداند. آل اثر دیگری نیز نظم کرده که برگردان «سیف‌الملوک» فارسی است.

قرن هفدهم قرن آثار دو زبانه است و واژه‌های فارسی دیگر بیگانه محسوب نمی‌شوند. در قرن هجدهم علی رضا معروف به کانو فقیر کتاب «آگم» و «گیان ساغر» را نوشت که درباره تصوف است. موضوع «آگم» کیهان‌شناسی، چهار مرحله روحانی، روان‌شناسی و عقیده به خدا است. «گیان ساغر» نیز در همین موضوع است ولی مطالب

را مفصل‌تر بیان کرده است و تاکید می‌کند که از طریق فقر یا درویشی ما می‌توانیم به حقیقت برسیم.

سبک دو زبانه در آثار عاشقانه زبان بنگالی نیز به فراوانی دیده می‌شود. در قرن هیجدهم شاعرانی مانند غریب الله، سید حمزه، عارف، جناب علی، حبیب الله حسین و عزیزالدین احمد نمونه‌ای از شاعران دو زبانه هستند. بسیاری از شاعران هندو نیز که در موضوع «نبی بنگاش» یا «جنگ‌نامه» کار کرده‌اند، از سبک دو زبانه استفاده کرده‌اند. اثر زبان فارسی را می‌توان در آثار نویسندگانی چون بارات چاندرا ریگونکر و غیره دید. به تدریج استفاده از واژه‌های فارسی رو به افزایش نهاد و مسلمانان بنگالی افکار و نظریات فارسی را در نوشته‌های خود به کار بردند. ادبیات صوفی بنگالی نیز شباهت زیادی به ادبیات فارسی داشت. از طرف دیگر شاعران هندو بنگالی تحت تاثیر زبان سانسکریت بودند و نوشته‌های خود را تحت تاثیر آن می‌نوشتند. در قرن نوزدهم سبک دو زبانه که با ایده‌های نو نقش مهمی در گسترش ادبیات داشت، توسط متعصبان مذهبی متوقف شد و آنها شروع به نوشتن آثار خود به زبان بنگالی نمودند که مملو از واژه‌ها و اصطلاحات عربی و فارسی بود. حتی کتاب به سبک فارسی و عربی از راست شروع می‌شد. آنها این نوع ادبیات را ادبیات بنگالی اسلامی نامیدند. نهضت بنگالی اسلامی عکس‌العمل و جهاد قلمی علیه سادو باشای پندیت‌ها بود. این نهضت دوام چندانی نداشت و به زودی از بین رفت چرا که ادیبان و خوانندگان از آن استقبال نکردند. این نهضت کوتاه مدت اثرات مهمی در جذب واژه‌های عربی و فارسی در زبان بنگالی داشت.

در قرن نوزدهم راجا رام موهن رای، مصلح و فارسی‌دان مشهور، اولین هفته‌نامه فارسی زبان را به نام «مرآة‌ال‌اخبار» را در ۱۲ آوریل ۱۸۲۲ م. در کلکته منتشر کرد. این هفته‌نامه روزهای جمعه منتشر می‌شد و از ۱۲ آوریل ۱۸۲۲ تا ۴ آوریل ۱۸۲۳ م. منتشر شد و اولین نشریه فارسی زبان در هند است. راجا رام موهن کتابچه‌ای به نام «تحفة‌الموحدین» نوشت. او را می‌توان پدر روزنامه نگاری فارسی دانست. تمامی اندیشمندان قرن نوزدهم با زبان فارسی آشنایی داشتند.

در اواخر قرن بیستم نیز بسیاری از شاعران بنگالی تحت تاثیر زبان فارسی قرار داشتند که نام دو تن از شخصیت‌های مشهور ادبیات بنگالی میان آنها به چشم می‌خورد. رابیندرا نات تاگور که به نام شکسپیر ادبیات بنگالی مشهور است و در سال ۱۹۳۲ م. از ایران دیدن کرد و قاضی نذرالاسلام یک ملی‌گرا که نام شاعر شورشی را به خود اختصاص داد. تاگور از بچگی تحت تاثیر عرفان فارسی قرار داشت، به عرفان حافظ و سعدی علاقه فراوان داشت و در نوشته‌های خود به ویژه «پراشی» به این نکته اشاره کرده است. قاضی نذرالاسلام در زبان فارسی مهارت داشت و واژه‌های فارسی را با مهارت در نوشته‌های خود به کار می‌برد.

به این صورت ما می‌بینیم که زبان فارسی در طی قرون متوالی کمک بزرگی به غنی‌سازی زبان و ادب بنگالی انجام داده است.

بنگاله در منابع تاریخی فارسی

«تاج‌المائر» اثر حسن نظامی اولین اثر ادبی فارسی در زمینه تاریخ هند است که سلسله‌های غوری و اوایل حکومت ترک‌ها (۱۱۹۲-۱۲۱۷ م.) را در بردارد. ضیاءالدین برنی (۱۲۸۵-۱۳۵۷ م.) از مورخان و متفکران به نام قرن سیزدهم تاکید می‌کند که خواجه صدر نظامی نویسنده «تاج‌المائر» از نویسندگان معتبر است. نثر اثر مصنوعی و مزین و کاملاً به سبک فارسی است.

«فتح‌نامه» اطلاعات مفیدی درباره امور اداری دارد و همچنین مطالبی درباره دیدار اختیارالدین محمد بختیار خلجی در بدایوان با قطب‌الدین ایبک بعد از فتح بیهار و بنگاله بیان می‌کند و تاریخ این فتح را ۱۲۰۴ م. عنوان می‌کند.

«جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایت» اثر سدیدالدین محمد عوفی در سال ۱۲۲۰ م. نوشته شد که منبع مهمی درباره وضعیت اجتماعی در اوایل قرن سیزدهم است. تاکنون اثر منهاج سراج تنها منبع اطلاعات بود ولی از اثر عوفی ما مطالبی درباره ظهور منطقه آزاد جغرافیایی سیاسی در شرق هند پیدا می‌کنیم. این اثر فصل جدیدی از تاریخ اجتماعی اقتصادی آن زمان را بیان می‌کند و به کارخانه‌ها و بیمارستان‌ها اشاره شده است. طبق نظر آی.اچ. صدیقی این اثر به اطلاعات موجود در «تاج‌المائر» و

«طبقات ناصری» درباره تاسیس حکومت مسلمانان در هند و گسترش فرهنگ هند و مسلمان در مراحل اولیه اضافه می‌کند.

در اوایل حکومت مسلمانان در هند شاعران فارسی زبان بسیاری به دربار وابسته بودند که به شعر و شاعری پرداختند. سید سراج‌الدین یکی از این شاعران است که به دربار التتمش (۱۲۱۰-۱۲۳۶ م.) وابسته بوده است. وی در سال ۱۲۵۴ م. در دهلی درگذشت. دیوان وی حاوی اطلاعاتی درباره ملک عزالدین طغرل طغری خان (۱۲۳۳-۱۲۴۵ م.) در لکهنوتی و محیط فرهنگی آن است.

آثار امیر خسرو (۱۲۵۳-۱۳۲۵ م.) نیز از دو نظر دارای اهمیت است. اول او واقعات را صادقانه بیان می‌کند و دوم این که او دوبار از شرق هند دیدن کرده است. بار اول همراه سلطان غیاث‌الدین بلبن (۱۲۶۶-۱۲۸۸ م.) در سال ۸۱-۱۲۸۰ و بار دوم همراه غیاث‌الدین تغلق در سال ۱۳۲۴ م.

امیر خسرو در اثر خود «قران‌السعدین» داستان ملاقات سلطان دهلی و بنگاله در کنار رود سرجو در سال ۹۰-۱۲۸۸ م. بیان می‌کند. آثار دیگر وی به نام «خزاین‌الفتوح» و «اعجاز خسروی» در شناخت تاریخ اجتماعی و فرهنگی شرق هند مهم هستند. «بساتین‌الانس» اثر تاج‌الملوک (۱۳۰۱-۱۳۵۱ م.) که در سال ۱۳۲۶ م. نوشته شد، اثر مهم دیگری در زمینه تاریخ اجتماعی و فرهنگی هند است. «تاج‌الملوک» از درباریان غیاث‌الدین تغلق (۱۳۲۰-۱۳۲۵ م.) و دبیر خاص محمد بن تغلق (۱۳۲۵-۱۳۵۱ م.) بود. وی شاهد فتح مناطق بیهار و بنگاله توسط محمد بن اعلق و شکست غیاث‌الدین بهادر شاه (۱۳۲۰-۱۳۲۸ م.) بود.

«فتوح‌السلطین» (تالیف در سال ۱۳۴۸-۴۹ م.) اثر عصامی (متولد ۱۳۱۰ م.) که به نام «شاهنامه هندی» نیز شهرت دارد، منبع مهم دیگری در تاریخ هند است. عزالدین پدر بزرگ عصامی سپهسالار لشکر بلبن (۱۲۶۶-۸۸ م.) بود. این اثر اطلاعات مهمی درباره فتح تیرهت و لکهنوتی توسط سلطان محمد بن تغلق و وضعیت اجتماعی آن دوران می‌دهد.

آثار ضیاء‌الدین برنی که ندیم سلطان محمد بن تغلق بود نیز از نظر تاریخی مهم است. او سه کتاب به نام‌های «تاریخ فیروز شاهی» (تالیف ۱۳۵۸-۵۹ م.)، «فتاوی

جهانگیری» و «ثنای محمدی» تالیف کرده است. تاریخ فیروز شاهی منبع مهمی در تاریخ هند است و مورخان دیگر نیز از این کتاب استفاده کرده‌اند.

کتاب «تاریخ فیروز شاهی» اثر شمس سراج عقیف به تفصیل درباره دو هیئت اعزامی به لکهنوتی و جج‌نگر توسط سلطان فیروز شاه تغلق (۱۳۵۱-۱۳۸۹ م.) بیان می‌کند. دو اثر دیگر متعلق به قرن چهاردهم عبارتند از «فتوحات فیروز شاهی» اثر فیروز شاه تغلق و «سیرت فیروز شاهی» اثر مؤلفی نامعلوم. اثر اول درباره فتوحات سلطان فیروز شاه است که مطالبی نیز در مورد زندگی اجتماعی و فرهنگی آن دوران بیان می‌کند.

منابع مهم دیگر نیز وجود دارند که عبارتند از مکتوبات که توسط حاکمان مسلمان بنگاله نوشته شده‌اند، آصفیه، تذکره‌ها، «رحله» اثر ابن بطوطه و غیره. بسیاری از نسخ خطی در خانقاه‌ها و مدارس، مسجد و کتابخانه‌های مختلف وجود دارند که باید در مورد آنها تحقیق کرد.

منابع

1. The house of Raja Ganesha of Bangal, by A. H. Dani, Journal of the Asiatic Society of Bengal, 1952, pp 121-70.
2. An account of the Celebrities of Bengal of the Early Years of Shah Jahan's Reign Given by Muhammad Sadiq, by A. Halim, Journal of the Pakistan Historical Society 1, 1953, pp 355-56.
3. History of Bengal-Muslim Period (1200-1757), by J. Sarkar, Patna, 1977, pp 224-419.
4. Perso-Arabic Elements in Bengali by G.M. Hilali, Dacca, 1967.
5. Bengal Under the Rule the Early Ilyas Shahi Dynasty by ABM Shamsuddin Ahmad, Dhaka, 1987.